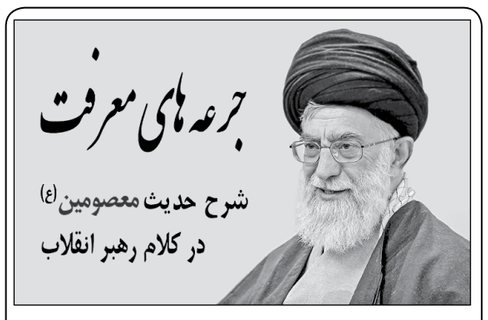

راه جلب دل‌ها

عَنِ الصّادِقِ جَعفَرِ بنِ مُحمّدٍ عَن أَبیه عَن آبائِه(عَلَیهِمِ‌السّلام) قَال قَالَ رَسُولُ الله (صَلّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه): إِنَّکُم لَن تَسَعُوا النّاسَ بِأَموالِکُم فَسِعُوهُم بِأَخلَاقِکُم [1]

یعنی شما این ظرفیت را ندارید که همه مردم را [با اموالتان] در حیطه محبّت خود و در حیطه ارتباط با خود نگه ندارید؛ با مال، این کار را نمی‌توانید بکنید ،اما یک وسیله‌ای دارید برای اینکه بتوانید دل‌های همه یا اکثر مردم را به خودتان نزدیک کنید. آن چیست؟ آن «اخلاق» است.

اگر شما تواضع بورزید، اگر آدم صادقی باشید، اگر علیه این و آن حرکت مخرّبی انجام ندهید، اگر کسی باشید که بر روی حرف خودتان می‌ایستید -اینها صفاتی است که مردم این صفات را دوست می‌دارند- پس می‌توانید با این خُلق خوب، با این اخلاق حسنه و خصال نیک، دل مردم را به طرف خودتان جذب کنید.

---

۱) الامالی شیخ صدوق، ص۶۲ [پیامبر اکرم (ص) فرمود: انکم لن تسعوا الناس باموالکم فسعوهم باخلاقکم؛ شما هرگز نمی‌توانید با مال خود، مردم را راضی و خشنود نگه‌دارید، پس تلاش کنید که به وسیله اخلاق نیک، مردم را از خود خرسندنمایید].

*شرح حدیث در ابتدای درس خارج ، ۹۴/۲/۱۳

*پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

در محضر امام خمینی(ره)

اعزام تحت‌الحفظ نوه امام به تهران

در سال ۵۹ آقای سید حسین خمینی که نوه امام بود در زمانی که اختلافات بین بنی‌صدر و شهید رجایی تشدید شده بود، آقای سید حسین خمینی می‌رود در مشهد به نفع بنی‌صدر سخنرانی می‌کند.

مردم به او حمله کردند و می‌خواستند وی را بزنند و او که مسلح بوده، دست به سلاح کمری‌اش می‌برد، بچه‌های کمیته جلوی او را می‌گیرند وبه یک اتاق دیگرمی‌برند. از همانجا مسئولین کمیته با دفتر امام تماس می‌گیرند.

پیغام به امام داده می‌شود که آقای سید حسین خمینی، نوه شما در مشهد از بنی‌صدر دفاع کرده مردم به او هجوم آوردند، دست به اسلحه برده، ما چه کار کنیم.؟ امام به مرحوم آیت‌الله‌اشراقی می‌فرمایند که به مسئولین کمیته مشهد پیغام دهید که سید حسین خمینی تحت‌الحفظ به تهران اعزام شود و اگر دست به سلاحش برد او را با تیر بزنند.

آقای‌اشراقی به دفتر می‌آید و از طریق آقای رحمانی که بعدها نماینده امام در نیروی انتظامی شدند، به بچه‌های کمیته پیغام می‌دهند. ولی بخش دوم پیام امام را آقای‌اشراقی نمی‌دهد و فقط می‌گوید امام گفته آقای سید حسین خمینی تحت‌الحفظ به تهران اعزام شود.

وقتی ایشان پیش امام برمی‌گردد امام می‌پرسد شما دستور من را ابلاغ کردی. ایشان می‌گوید بله. امام گفت آقای‌اشراقی؛ کامل ابلاغ کردی؟ آقای‌اشراقی که نمی‌توانسته دروغ بگوید می‌گوید نه من قسمت دومش را نگفتم. امام به آقای‌اشراقی می‌فرمایند بر می‌گردی مجدد تلفن می‌زنی و هر دو قسمت پیام من را می‌دهید.سید حسین خمینی تحت‌الحفظ به تهران اعزام شود و اگر دست به سلاحش زد با تیر او را بزنید.

□ سید حمید روحانی؛ روزنامه جمهوری اسلامی
دهم شهریور ۱۳۷۸ صفحه ۱۳

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

مجهول بودن واریزکننده پول

س: مقدار قابل توجهی پول به حساب شخصی واریز شده که صاحب حساب پس از گذشت یک سال هنوز نتوانسته منشأ پول را پیدا کند، حالا تکلیف صاحب حساب با اصل پول و سود این مدت آن چیست؟

ج: اگر از یافتن مالک آن مایوس شده‌اید به فقیر بپردازید.

هجرت از پلیدی و گناه

در اسلام بر هجرت تأکید بسیار شده است. این هجرت به معنای کوچ از جایی به جایی یا کاری به کاری دیگر است تا شرایط به شکلی درآید که مطلوب شخص باشد. وقتی انسان در شرایط محیطی نامناسبی است و نمی‌تواند به مسئولیت‌های انسانی- الهی خویش عمل کند و توانایی تغییر محیطی را ندارد، باید از آن محیط خارج شود و اصطلاحاً هجرت محیطی کند. خداوند می‌فرماید: الذین توفاهم الملائکه ظالمی أنفسهم قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین فی‌الأرض قالوا ألم تکن أرض الله واسعة فتهاجروا فیها فأولئک مأواهم جهنم و ساءت مصیرا؛ کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده‌اند، وقتی فرشتگان جانشان را به تمام کمال می‌گیرند، می‌گویند: در چه حال بودید؟ پاسخ می‌دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. فرشتگان می‌گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟! پس آنان جایگاهشان دوزخ است؛ و دوزخ بد سرانجامی است. (نساء، آیه۹۷)

این هجرت محیطی برای آن است تا در محیطی قرار گیرند که بتوانند به مسئولیت‌های خویش عمل کنند.

اما مهم‌تر از هجرت محیطی و مکانی، هجرت از صفت ناپسند به صفتی نیک، یا از اخلاقی بد به اخلاقی خوب یا از کاری بد به کاری خوب است. اگر انسان از محیط بد بیرون آید ولی از زشتی و بدی اخلاقی و رفتاری بیرون نیاید، هیچ فایده‌ای ندارد. از این‌رو خدا از مردم می‌خواهد تا از هرچه پلیدی و زشتی است هجرت کنند. چنانکه می‌فرماید: والرجز فاهجر؛ از هر پلیدی پس هجرت کن! (مدثر، آیه۵)

رجز همان بیماری چرکین در شتر است که موجب لرزش اندام و پاهای شتر می‌شود. این بیماری به‌گونه‌ای است که می‌آید و می‌رود و زمانی که آدم احساس سلامت کرد دوباره او را می‌گیرد و می‌لرزاند. به مطلق پلیدی و گناه نیز از این بابت رجز می‌گویند؛ زیرا چرکی است که دل و روان آدمی را پلید می‌کند. پس انسان باید افزون بر محیط ناپاک، از پلیدهای درونی رهایی یابد و از آن به صفات و رفتار نیک کوچ کند.

پیاده‌روی اربعین در سال‌های اخیر تابلوی پرتلالو از دلدادگی عاشقان حضرت سیدالشهدا(ع) دربرابر دیدگان شگفت‌زده جهانیان قرار داده و جهانیان را به شگفتی واداشته است. برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از این خیزش عظیم و مبارک، گزیده‌ای از بیانات رهبر حکیم و ژرف‌اندیش انقلاب اسلامی درباره پیاده‌روی اربعین - که از سوی پایگاه اطلاع‌رسانی khamenei.ir منتشر شده است - تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود.

گزیده‌ای از بیانات رهبر انقلاب درباره جایگاه و اهمیت پیاده‌روی اربعین

به حال شما غبطه می‌خوریم

*** من به کسانی که موفّق شدند و رفتند، قبول الهی را برای کارشان درخواست می‌کنم و غبطه خودم را نسبت به کار آنها -که ما محروم بودیم، آنها موفّق شدند- عرض می‌کنم. از مردم عراق که پذیرایی کردند، محبّت کردند، این جمعیّت عظیم را توانستند ظرف چند روز اداره کنند، تشکر می‌کنم. حادثه، حادثه فوق‌العاده مهمّی است.**

پیاده‌روی اربعین مظهر عشق همراه با بصیرت

معمولاً در این‌جور پدیده‌هایی که انسان مشاهده می‌کند که تبلیغاتی برای آن انجام نگرفته لکن ناگهان یک پدیده‌ای در محیط دید انسان بُروز می‌کند، دست خدایی مشهودتر از همه‌جای دیگر است... اینها پدیده‌هایی است که هیچ تبلیغاتی هم برایش نمی‌شود، تلاشی هم انجام نمی‌گیرد. شما ببینید برای اینکه ده هزار نفر، پنجاه هزار نفر را یک جا جمع کنند، چقدر تلاش تبلیغاتی در دنیا انجام می‌گیرد، آخرش هم نمی‌شود. اینجا با وجود موانع فراوان، از ایران فقط دو میلیون نفر برای پیاده‌روی هشتاد کیلومتری -برای پیاده‌روی، نه برای لذّت بردن و در هتل لمیدن- بلند می‌شوند می‌روند کربلا؛ چند برابر آن [هم] از خود عراق و از مناطق دیگر؛ این یک حادثه الهی است، این یک پدیده الهی است؛ این نشان‌دهنده این است که این راه، راه عشق است؛ منتها نه عشق مجنونانه، عشق همراه بصیرت؛ مثل عشق اولیا به خدا: اَللّهُمّ ارزُقنی حُبّکَ وَ حُبّ مَن یُحِبّکَ وَ حُبّ کُلِّ عَمَلٍ یوصِلُنی اِلی قُربِک؛ این حبّ و این عشق، عشق همراه با بصیرت است؛ می‌داند، می‌فهمد و این جاذبه او را می‌کِشد، این مغناطیس او را میک شد. بنابراین کار، کار بزرگی است؛ پدیده، پدیده عظیمی است. من اوّلاً به کسانی که موفّق شدند و رفتند، خوشامد عرض می‌کنم و قبول الهی را برای کارشان درخواست می‌کنم و غبطه خودم را نسبت به کار آنها -که ما محروم بودیم، آنها موفّق شدند- عرض می‌کنم. از مردم عراق که پذیرایی کردند، محبّت کردند، این جمعیّت عظیم را توانستند ظرف چند روز اداره کنند، تشکّر می‌کنم. حادثه، حادثه فوق‌العاده مهمّی است.

بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۰۹/۰۳

راه‌پیمایی اربعین را شکر کنید

این حادثه راه‌پیمایی را شکر کنید. شکرش ازجمله به این است که آن روحیّات را، آن حالات را -که در این دو سه روزی که مشغول راه‌پیمایی بودید، آنجا مشاهده کردید یا احساس کردید- در خودتان نگه دارید؛ آن برادری را، آن مهربانی را، آن توجّه به ولایت را، آن آماده شدن بدن برای تَعَب کشیدن را، آن ترجیح دادن زحمت کشیدن و عرق ریختن و راه رفتن بر راحتی و تنبلی را. در همه امور زندگی باید این را دنبال کرد؛ این می‌شود شکر.

بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۰۹/۰۳

لزوم آسان کردن راه‌پیمایی اربعین توسط مسئولین

از جمله شاخه‌های شکر، یکی این است که این کار را برای کسانی که عاشق این کارند، آسان کنیم که مسئولیّت این به عهده مسئولان بخشهای مختلف کشور است. گاهی حوادثی پیش می‌آید؛ نگذارند این حوادث [تکرار شود]، پیشگیری کنند؛ این هم جزو شکر است. به‌هرحال این نعمت را قدر بدانیم، نعمت بزرگی است و این ان‌شاءالله یک نعمت پایدار خواهد بود و برای ملّت ایران و ملّت عراق مایه عزّت و سربلندی و افتخار خواهد بود. حالا در دنیا سعی می‌کنند که نگذارند این نورافکن قوی دیده بشود، لکن نمی‌توانند، دیده خواهد شد؛ سعی می‌کنند دیده نشود یا تحریفش کنند، [امّا] هیچ‌کدام به جایی نمی‌رسد؛ وقتی حرکت را ادامه دادید ، ناچار، حقیقت خود را آشکار خواهد کرد.

بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۰۹/۰۳

پیاده‌روی اربعین؛ حرکت عشق و ایمان

این روزها روزهای نزدیک به اربعین است. پدیده بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ای هم در این سال‌های اخیر به‌وجود آمده و آن، پیاده‌روی میان نجف و کربلا یا بعضی از شهرهای دورتر از نجف تا کربلا است؛ بعضی از بصره، بعضی از مرز، بعضی از شهرهای دیگر، پیاده راه می‌اُفتند و حرکت می‌کنند. این حرکت حرکت عشق و ایمان است؛ ما هم از دور نگاه می‌کنیم به این حرکت و غبطه می‌خوریم به حال آن کسانی که این توفیق را پیدا کردند و این حرکت را انجام دادند:

گرچه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم
بُعد منزل نبوَد در سفر روحانی

بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره پیاده‌روی اربعین ۱۳۹۴/۹/۹

شعار بزرگ الهی

این کسانی که این راه را طی کردند و این حرکت عاشقانه را و مؤمنانه را دارند انجام می‌دهند، واقعاً دارند حسنه‌ای را انجام می‌دهند. این یک شعار بزرگ است، لا تُحِلّوا شَعائِرَ الله، این بلاشک جزو شعائرالله است. جا دارد که امثال بنده که محرومیم از این‌جور حرکت‌ها عرض بکنیم که «یا لیتنا کنّا معکم فنفوز فوزاً عظیماً». همان‌طور که عرض کردیم، این حرکت حرکت عشق و ایمان است؛ هم در آن ایمان و اعتقاد قلبی و باورهای راستین، تحریک‌کننده و عمل‌کننده است؛ هم عشق و محبّت. تفکّر اهل‌بیت و تفکّر شیعی همین‌جور است؛ ترکیبی است از عقل و عاطفه، ترکیبی است از ایمان و عشق؛ ترکیب این دو. این آن‌چیزی است که در سایر فِرَق اسلامی، خلأ آن محسوس است؛ سعی هم می‌کنند گاهی به یک نحوی این خلأ را پُر کنند، [امّا] نمی‌شود؛ چه کسی مثل خاندان پیغمبر -این عناصر برجسته، ممتاز، نورانی، ملکوتی- وجود دارد در بین معتقَداتِ شُعبِ دیگرِ اسلامی، که این‌جور مردم به آنها عشق بورزند، با آنها تعامل کنند، با آنها حرف بزنند، به آنها سلام کنند و از آنها ان‌شاءالله جواب بشنوند؛ چه‌کسی دیگر وجود دارد؟ این است که این یک فرصتی است در اختیار پیروان اهل‌بیت؛ این زیارت ائمّه (علیهم‌السّلام)، این معاشقه معنوی با این بزرگواران، این زیارتهای سرشار از مفاهیم عالی و ممتاز که در اختیار ما است.

بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره پیاده‌روی اربعین ۱۳۹۴/۹/۹

فرصتی که باید مغتنم شمرد

این حرکت عظیمِ مردم از ایران، از کشورهای دیگر اسلامی، از هند، از اروپا، حتّیَ از آمریکا و کشورهای دیگر، از راه‌های دور، افرادی می‌آیند در این راه‌پیمایی شرکت می‌کنند؛ دو روز، سه روز بیشتر یا کمتر - در این راه، پای پیاده حرکت می‌کنند؛ مردم عراق هم انصافاً با کمال بزرگواری و محبّت پذیرایی می‌کنند از اینها؛ خیلی حرکت عظیم و پرمعنا و پرمغزی است و کسانی که موفّق می‌شوند باید مغتنم بشمارند.

بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره پیاده‌روی اربعین ۱۳۹۴/۹/۹

بزرگ‌ترین گردهمایی عالم

امسال(۱۳۹۳) شما ملاحظه کردید در اربعین حسینی میلیون‌ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمانها -البتّه مخصوص شیعه نبود، سنّی‌ها هم بودند- که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند؛ آن را بزرگ‌ترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛ چه کسانی؟ آنهایی که دارند مسائل اسلامی را رصد می‌کنند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۹۳/۱۰/۱۹

از جمله شاخه‌های شکر، یکی این است که این کار را برای کسانی که عاشق این کارند، آسان کنیم که مسئولیّت این به عهده مسئولان بخش‌های مختلف کشور است. گاهی حوادثی پیش می‌آید؛ نگذارند این حوادث [تکرار شود]، پیشگیری کنند؛ این هم جزو شکر است.

این کسانی که این راه را طی کردند و این حرکت عاشقانه را و مؤمنانه را دارند انجام می‌دهند، واقعاً دارند حسنه‌ای را انجام می‌دهند. این یک شعار بزرگ است، این بلاشک جزو شعائرالله است. جا دارد که امثال بنده که محرومیم از این‌جور حرکتها عرض بکنیم که «یا لیتنا کنّا معکم فنفوز فوزاً عظیماً».

نماد عزّت اسلامی

من همین‌جا مناسب می‌دانم و لازم می‌دانم به‌مناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملّت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، کَرم و بزرگواری نشان دادند، تشکّر کنم. حادثه عجیبی بود حادثه امسالِ(۱۳۹۳) اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل‌بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتّفاق افتاد! وقتی حتّی جسمها در کنار هم قرار می‌گیرد، این‌جور انعکاس پیدا می‌کند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملّتهای مسلمان -سنّی و شیعه و فِرَق مختلف تسنّن و تشیّع- با یکدیگر دلهایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیّت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتّفاقی خواهد افتاد؛ چه عزّتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۹۳/۱۰/۱۹

نمونه ارتباط دوستانه دو ملت ایران و عراق

راه‌پیمایی مراسم روز اربعین یک نمونه از این ارتباط دوستانه [دو ملت ایران و عراق] است به‌گونه‌ای که مردم عراق در پذیرایی از زائران ایرانی، از انفاق و محبت و ارادت چیزی کم نمی‌گذارند. مسئولان دو کشور ایران و عراق، باید از این فضا و فرصت برای منافع دو کشور بیشترین استفاده را بکنند.

دیدار رئیس‌جمهوری عراق با رهبر انقلاب ۱۳۹۴/۹/۳

راه‌پیمایی مراسم روز اربعین یک نمونه از این ارتباط دوستانه [دو ملت ایران و عراق] است، به‌گونه‌ای که مردم عراق در پذیرایی از زائران ایرانی، از انفاق و محبت و ارادت چیزی کم نمی‌گذارند. مسئولان دو کشور ایران و عراق، باید از این فضا و فرصت برای منافع دو کشور بیشترین استفاده را بکنند.

مهمان‌نوازی مردم عراق از زائران اربعین حسینی

میهمان‌نوازی و کَرَم در استقبال از زائران اربعین حسینی یکی دیگر از صفات ممتاز مردم عراق است. این رفتار عاشقانه معنوی در دنیای امروز مادی بسیار مهم و قابل توجه است و هنوز به‌درستی عمق این فضیلت مردم عراق شناخته نشده است.

دیدار نخست‌وزیر عراق با رهبر انقلاب ۱۳۹۴/۳/۲۷

رعایت مقررات و ضوابط در سفر اربعین

البتّه این عرایض ما موجب نشود که بعضی‌ها خارج از مقرّرات بخواهند بلند شوند راه بیفتند و حرکت کنند؛ نه، طبق همان مقرّراتی که دولت اسلامی معیّن کرده است؛دوستان ما در دولت نشسته‌اند فکر کرده‌اند، مقرّراتی و ضوابطی برای این کار در نظر گرفته‌اند، این ضوابط حتماً مراعات بشود؛ جوری نباشد که کسانی خارج از این ضوابط بگویند «برویم همین‌طور حرکت کنیم، سر به بیابان بگذاریم -مثلاً- برویم»، این‌جوری مطلوب نیست؛ این ضوابط را حتماً بایستی رعایت کنند.

بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره پیاده‌روی اربعین ۱۳۹۴/۹/۹

سخن‌چینی بزرگ‌ترین جادو

عمر و ایمان دو سرمایه الهی و همچون دو کفه یک ترازو به حساب می‌آیند. انسان‌ها با توجه به اینکه در زمان خلق شدنشان از جانب خداوند از قوه عقلانی و سپس اختیار برخوردار شدند؛ اگر خواهان سعادت خود هستند لازم است در طول حیاتی که خالق یکتا به آنها بخشیده است، تمام سعی شان این باشد لحظه به لحظه به وزن ایمان خود در راستای دین مبین اسلام اضافه کنند تا به دنبال آن نیز توانسته باشند شاهد نتیجه سرمایه‌گذاری خود که عمق عمر خویش هست؛ باشند در غیر این صورت صحبت از سرمایه خوری به میان خواهد آمد که در پایان کار، چیز قابل توجهی در این راه دستشان را نخواهد گرفت.

بدترین انواع سخن چینی، سعایت است که از فرد منظور نزد امیر و حاکم سخنی بگویند که بخواهند او را بد جلوه دهند. دراحادیث آمده که شریرترین افراد، نمامان هستند و توصیه شده که از همنشینی با نمام بپرهیزید.

کوشا بودن در عرصه زندگی دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... از زیر مجموعه‌های این سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند.

در این یادداشت قصد دارم به یکی از صفت‌های انسانی که از شاخه اخلاق دینی محسوب شده و در مسیر سرمایه خوری گام بر می‌دارد، بپردازم.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: اِنّ مِن اَکبَرِ السِّحرِ النّمیمَةَ یُفَرّقُ بِها بینَ المُتَحابّینِ وَ یُجلَبُ العَداوَةُ عَلَی المُتَصافِیَینِ وَ یُسفَکُ بِها الدِّماءُ وَ یُهدَمُ بِها الدُّورُ وَ یُکشَفُ بِها السّتورُ وَ النَّمّامُ اَشَرُّ مَن وَطِیءَ عَلَی الرضِ بِقَدَم؛

از بزرگ‌ترین جادو، سخن‌چینی است؛ زیرا با سخن‌چینی، میان دوستان جدایی می‌افتد، دوستان یکدل با هم دشمن می‌شوند، به واسطه آن خون‌ها ریخته می‌شود، خانه‌ها ویران می‌گردد و پرده‌ها دریده می‌شود. سخن‌چین، بدترین کسی است که روی زمین راه می‌رود.(بحارالأنوار، ج ۶۳، ص ۲۱، ح ۱۴)

در کتاب معراج السعادهٔ ضمن نقل داستانی درباره سخن چینی ،اشعاری در این زمینه ارائه شده است.

شخصی سخن چین ، به حضور امام حسن(ع) رسید. عرض کرد: فلانی از شما بدگویی می کند. امام به جای تشویق، چهره درهم کشید و به او فرمود: تو مرا به زحمت انداختی.

از اینکه غیبت یک مسلمان را شنیدم باید درباره خود استغفار کنم و از اینکه گفتی آن شخص با بدگویی از من ، مرتکب گناه شده بایستی برای او نیز دعا کنم. (بحار: ج ۴۳، ص ۳۵۰)

سخن چینی فقط زمانی جایز است که جان انسانی در خطر باشد و در بقیه موارد از گناهان کبیره به حساب می‌آید.

علت و انگیزه و ریشه‌های درونی سخن چینی غالباً بدخواهی نسبت به کسی که داخل در ایذاء است و یا اظهار محبت یا تفریح و سرگرمی، یا به دلیل حس حقارت و حسد، دشمنی و کینه توزی، که وظیفه مومنین را در مقابل فرد سخن چین مشخص می‌کند که از جمله اینکه او را تصدیق نکند، به سخنش اعتماد نکند و در پی تجسس بر نیاید و... .

بدترین انواع سخن چینی، سعایت است که از فرد منظور نزد امیر و حاکم سخنی بگویند که بخواهند او را بد جلوه دهند. دراحادیث آمده که شریرترین افراد، نمامان هستند و توصیه شده که از همنشینی با نمام بپرهیزید.

از پیامدهای اخروی سخن چینی عذاب قبر است که به فرمایش پیامبر اسلام (ص)، یک سوم عذاب قبر از سخن چینی می‌باشد و همچنین محروم شدن از بهشت، مسخ در محشر و غیره. انسان‌های سخن چین در قیامت به شکل میمون، سگ، عقرب و... در می‌آیند.

اگر کسی به این مرض مبتلا شد چگونه می‌توان آن را درمان کرد :

از بزرگ‌ترین جادو، سخن‌چینی است؛ زیرا با سخن‌چینی، میان دوستان جدایی می‌افتد، دوستان یکدل با هم دشمن می‌شوند، به واسطه آن خون‌ها ریخته می‌شود. سخن‌چین، بدترین کسی است که روی زمین راه می‌رود.

از مداوای آن این است که همیشه خود را در پیشگاه خدا حاضر ببینیم و مرگ را در نظر داشته باشیم و قبل از اینکه به حسابمان برسند خود به حسابمان رسیدگی کنیم تا در حضور انبیاء و اولیاء سرافکنده و نادم نباشیم و زبان را به سکوت عادت دهیم و جز در راه حق سخنی نگوییم.

یادمان باشد اگر یک سر زبانمان در هنگام سخن چینی و دوبهم‌زنی، علی الظاهر در کام ماست ولی به طور یقین آن سرش در آتش قهر خداوندی معذب است.

مهدیه خالق‌وردی

چراغ راه

راه رشد و کمال عقل

قال الامام‌الحسین(ع): «لایکمل العقل الاباتباع الحق»

امام حسین(ع) فرمود: عقل و خرد انسان کامل نمی‌گردد مگر از حق و حقیقت پیروی کند.[1]

۱- بحارالانوار، ج۷۵، ص ۱۲۷

حکایت خوبان

اعمال خالص با صبغه اجتماعی

خداوند به حضرت موسی(ع) فرمود: تاکنون چه عمل خالصی انجام داده‌ای؟ حضرت موسی(ع) پاسخ داد: نماز خواندم، روزه گرفتم و ذکر گفتم.

خداوند فرمود: نماز، جواز عبور از پل صراط است. روزه سپر آتش و ذکر موجب بالا رفتن درجات بهشت است. همه اینها برای خودت بود! حضرت موسی(ع) عرض کرد: خداوندا! عملی به من بیاموز که فقط برای تو باشد. خطاب آمد: ستمدیده‌ای را یاری کرده‌ای؟ برهنه‌ای را پوشانده‌ای؟ تشنه‌ای را سیراب کرده‌ای؟ احترام عالمی را حفظ کرده‌ای؟

اینها اعمال خالص است![1]

۱- تحریرالمواعظ، آیت‌الله مشکینی، ص ۲۲۸

پرسش و پاسخ

سخنان غیرمستند منتسب به امام‌حسین(ع) (۳)

پرسش:

در محافل مذهبی و روضه‌خوانی و نگارش برخی متون سخنانی را در قالب نظم و نثر به امام‌حسین(ع) نسبت می‌دهند که در کتاب‌های مرجع هیچ سند و مدرکی برای آنها یافت نمی‌شود. لطفاً اهم مصادیق این نوع مطالب را بیان کنید؟

پاسخ:

در دو بخش قبلی پاسخ به این سؤال ضمن تأکید بر پالایش برخی مشهورات منتسب به امام‌حسین(ع) که سند معتبری ندارد، به دو نمونه از آنها شامل: ۱- ان الحیاة عقیده و جهاد ۲- ان کان دین محمد لم یستقم الا... اشاره کردیم. اینک در ادامه دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

۳- اسقونی شربه من الماء

در گذشته هرگاه این سخن را از زبان روضه‌خوانانی که برای گریاندن مردم حاضرند هر روضه بی‌اساس را بخوانند می‌شنیدیم، به سختی ناراحت می‌شدیم و با خود می‌گفتیم آخر چگونه امکان دارد که امام‌حسین(ع)، ابوالاحرار و سرور آزادگان، چنین سخن ذلت‌باری را در برابر دشمن به زبان آورد و با خواری و ذلت، زبان به التماس گشاید و از مردمان پستی که کمر به قتل او بسته بودند خواهش کند که بیایید به خاطر جدم رسول خدا(ص) جرعه‌ای آب به من دهید!

شهید عزیزی که شعارش «هیهات منّاالذلّه»، و سخنش «موت فی عزّ، خیر من حیاه فی ذل» (مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است) بود چگونه می‌تواند تن به این ذلت دهد و از دشمنان جانی خود با التماس آب بخواهد؟ شگفت‌آورتر از همه اینکه عده‌ای در توجیه این روایت جعلی می‌گویند: امام(ع) با این سخنان می‌خواست اتمام حجت بکند! اما معلوم نیست در کجای این سخن دلیل یا حجت و برهانی نهفته است.

اصولاً جای تأویل و توجیه زمانی است که روایتی سند داشته باشد. اما هنگامی که سخنی از هرگونه سند و مدرکی محروم باشد و محتوا و مفهومی کاملاً توهین‌آمیز و ذلت‌بار داشته باشد، دیگر جای هیچ‌گونه تأویل و توجیهی نیست.

سخن مورد بحث در کتاب‌های قابل اعتماد، و حتی در کتاب‌های نیمه معتبر، نیامده و فقط در کتاب‌های انگشت‌شماری که آکنده از تحریفات عاشورا و پر از اکاذیب است دیده شده است.

همان متن ساختگی نیز خود، بهترین گواه بر جعلی بودن این سخن است. جعل‌کنندگان این سخن آن را چنین ساخته و پرداخته‌اند:

... سپس حسین(ع) رو به عمربن سعد کرد و گفت: یکی از سه چیز را از من بپذیرید!

عمر سعد گفت: آن سه چیز چیست؟

امام(ع) فرمود: بگذارید به حرم جدم رسول خدا، مدینه، برگردم!

عمر سعد گفت: من نمی‌توانم این اجازه را به تو بدهم.

امام(ع) فرمود: جرعه‌ای آب به من بنوشانید که جگرم از تشنگی سوخت!

عمر سعد گفت: این دومی هم شدنی نیست.

امام(ع) فرمود: اگر چاره‌ای جز جنگیدن با من ندارید، پس لااقل تن به تن به جنگ من آیید!

عمر سعد گفت: اشکال ندارد؛ این سومی را به تو اجازه می‌دهیم!! (دیوان ابی‌الحب هویزی، عبدالمحسن ابی‌الحب هویزی، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۱)

در این قبیل کتاب‌ها که همه چیز در آن بر مدار گریه و گریه‌آور بودن می‌چرخد، از این‌گونه اخبار ساختگی و ذلت‌بار بسیار می‌توان یافت. در یکی دیگر از این اخبار چنین آمده است:

در آن هنگام که حسین(ع) روز عاشورا در میان میدان جنگ ایستاده بود و از دشمنانش جرعه‌ای آب می‌خواست و فریاد می‌کشید: هل من راحم یرحم آل‌الرسول المختار، هل‌من... هل من... هل من...، شمر جلو آمد و داد زد: تو کجایی یاحسین! امام(ع) فرمود: همین جا هستم.

شمر گفت: آیا تو از ما جرعه‌ای آب طلب می‌کنی؟ نه، این مطلب محال است که برآورده شود. (سیمای کربلا، حریم حریت، محمد صحتی سردرودی، سازمان تبلیغات، ۱۳۷۱).

استاد شهید مرتضی مطهری در این باره سخنی دارد که بسیار مفید است. استاد می‌گوید:

این قدر تشنگی اباعبدالله(ع) زیاد بود که وقتی به آسمان نگاه می‌کرد بالای سرش را درست نمی‌دید. اینها شوخی نیست. ولی من هرچه در مقاتل گشتم (آن مقداری که می‌توانستم بگردم) تا این جمله معروفی را که می‌گویند اباعبدالله به مردم گفت: اسقونی شربة من الماء، یک جرعه آب به من بدهید، ببینم، ندیدم. حسین(ع) کسی نبود که از آن مردم چنین چیزی طلب بکند. فقط یک جا دارد که حضرت در حالی که داشت حمله می‌کرد و هو یطلب الماء. قرائن نشان می‌دهد که مقصود این است: در حالی که داشت به طرف شریعه فرات می‌رفت (در جستجوی آب بود که از شریعه بردارد) نه اینکه از مردم طلب آب می‌کرد. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، نشر معروف، ۱۳۷۴)

ادامه دارد

سلوک عارفانه

با علم و عمل نافع به مقابله با هوای نفس بروید!

(بدان ای سالک راه خدا!) آنهایی که بنده دنیا و شهوت خویش‌اند، و طوق بندگی هوای نفس را در گردن نهادند... انسان با شرف و عزت نفس، باید با هر وسیله و جدیت، خود را از آن پاک و پاکیزه کند، و پاک شدن از این کثافت و رهایی از این قید خواری و مذلت به معالجه اساس نفس است، و آن با علم و عمل نافع صورت گیرد.[1]

۱- شرح چهل حدیث، امام خمینی(ره)، ص ۲۵۵

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir